



مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی چند سالی است که توسط معاونت سینمایی وزارت ارشاد با وظایف حمایتی تأسیس شده است. پس از سال ۱۳۸۵ بخشی از وظایف خود را که مربوط به آموزش فیلم کوتاه می‌شد در اختیار انجمن سینمای جوانان ایران گذاشت تا اکنون به نوعی مهم‌ترین مرکز حمایتی سینمای ایران در بحث تولید فیلم کوتاه و سینمای مستند و تجربی به شمار آید. برگزاری دو دوره موفق جشنواره‌ی بین‌المللی «سینما حقیقت» که نگاه‌ها را نسبت به عرصه‌ی فیلم کوتاه و سینمای مستند در کشورمان تغییر داده حاصل تفکر «محمد آفریده» است که در چند سال اخیر سعی کرده حمایت‌های زیادی حتی در سینمای داستانی (بلند) از کارگردانان اول و دوم انجام دهد. برای بررسی زوایای گوناگون فیلم کوتاه و سینمای مستند به سراغ او رفتیم، کسی که اعتقاد دارد مانند تمام کشورهای دنیا اگر قرار است فیلم کوتاه و سینمای مستند در کشورمان سرپا باقی بماند، «تلویزیون باید پناهگاه آن باشد».



گفت و گو با محمد آفریده، مدیرعامل مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی

## تلویزیون پناهگاه فیلم کوتاه و سینمای مستند

### احسان هوشیار گر

و باید‌ها و نبایدها نیستند، در این شرایط چه باید کرد که فیلم کوتاه و سینمای مستند که در حال حاضر بسیار جلوتر از سینمای داستانی (بلند) در کشورمان حرکت می‌کنند به حرکت رو به جلوی خود ادامه دهند و این حمایت‌ها در چه عرصه‌هایی باید انجام شود؟

به نظر من مهم‌ترین نکته‌ی که باید به آن توجه کرد، هماهنگی بین مراکزی است که در سطح کلان باید به این عرصه بپردازند که متأسفانه در حال حاضر ما این هماهنگی را مشاهده نمی‌کنیم. اعتقاد این است که حوزه‌های مختلف یک مقدار مانند جزایر جدای از هم عمل می‌کنند. در تمام دنیا یک نگاه کلی و ملی وجود دارد که می‌گوید، وقتی فیلم کوتاهی تولید می‌شود باید تا انتهای مسیر که همان بحث نمایش است، حمایت کنیم. متأسفانه این اتفاق در کشور ما رخ نداده است و یکی از بهترین گزینه‌هایی که می‌تواند در این راستا فرهنگ‌سازی و کمک کرده و اهمیت قضیه را تبیین کند، تلویزیون است، چرا که فیلم کوتاه و سینمای مستند در دنیا عمده پناهگاهشان تلویزیون است و ما خیلی از امکانات تلویزیون بهره نمی‌بریم. در کشوری که تلویزیون کاملاً دولتی است این رسانه باید آینه‌ی نمایش ظرفیت‌های جامعه باشد، در واقع باید همه‌ی فعالیت‌ها و تولیدات به نحوی خودشان را در این چارچوب به نمایش

برای شروع گفت‌وگو فکر می‌کنم اگر بیاییم خلاف رسم معمول که تعریفی از سینمای مستند و فیلم کوتاه ارایه می‌شود، ابتدا به مشکلات فیلم کوتاه و سینمای مستند در کشورمان اشاره کنیم، مسیر بهتری برای ادامه‌ی گفت‌وگو خواهد بود. در حال حاضر عمده‌ترین مشکلات فیلم کوتاه و سینمای مستند در کشورمان چیست؟

به نظر من در حال حاضر شرایط خوبی در این عرصه داریم و با توجه به مشکلات زیاد سینمای داستانی (بلند) و حرفه‌یی، هم فیلم کوتاه و هم مستندسازان در شرایط خوبی قرار دارند و تعداد کسانی که در این دو عرصه کار می‌کنند، بیش‌تر شده است و من احساس می‌کنم فیلم کوتاه و سینمای مستند در کشورمان هم به لحاظ آمار تولید و هم به لحاظ تعدد جوایز پیشنازتر از سینمای حرفه‌یی است، اما تناسبی در مجموعه‌ی سینما به جهت بهره‌برداری از امکانات نداریم. به هر حال فیلم کوتاه و سینمای مستند نیازمند دیده شدن و توجه بیش‌تری هستند. به اعتقاد من اگر به دنبال یک سینمای خوب و متناسب با ویژگی‌های فرهنگی خودمان هستیم، هیچ راهی جز توجه به فیلم کوتاه و سینمای مستند نداریم. فیلم کوتاه و سینمای مستند به دلیل ساختاری که دارند و برخلاف سینمای داستانی (بلند) خیلی، درگیر قید و بندها

**وقتی که اجازه و فرصت بیشتر  
دیده شدن را از فیلمساز بگیریم، او  
نمی‌تواند تجربه‌اش را در ارتباط  
با جمع گسترده‌تری تکمیل کند. در  
حال حاضر مهم‌ترین مشکل فیلم  
کوتاه و سینمای مستند در کشور  
ما همین بحث دیده شدن است، نه  
خلق‌الساعه کار کردن**



بگذارند و مورد توجه قرار گیرند. این توجه متأسفانه وجود ندارد و تلویزیون به جای آن که آینده فیلم کوتاه و سینمای مستند باشد، خودش تولیدکننده شده و این عرصه‌ی فیلم کوتاه و سینمای مستند را شکننده می‌کند. وقتی سالانه بیش از سه هزار فیلم کوتاه و سینمای مستند در کشورمان تولید می‌شود، تلویزیون به چه میزان توانسته حامی این جریان باشد؟ همین‌طور سازمان‌های دیگر مانند حوزه‌ی هنری یا توجه به ظرفیت‌هایی که در آن وجود دارد! تلویزیون و سازمان‌های دیگر همگی یک مجموعه بوده که باید در کنار هم قرار گیرند و در واقع این مسایل چون خوب کنار هم قرار نگرفته است، همه‌ی کارهای ما بستگی به شور و علاقه‌ی فیلمساز یا حرکت یک‌سری سازمان‌های موقتی دارد. روند جامعه با توجه به ظرفیت‌های بالای موجود، روندی رو به جلو است و من امیدوارم در آینده‌ی نزدیک بیش از پیش به این ظرفیت‌ها و داشته‌هایمان توجه کنیم.

این که شما گفتید مراکز مختلفی که درگیر فرهنگ‌سازی هستند، باید از عرصه‌ی فیلم کوتاه و سینمای مستند مانند تمامی کشورهای دنیا حمایت کنند کاملاً درست است، اما بخشی از این موضوع به خود فیلمسازان هم بازمی‌گردد به طوری که عده‌ی از منتقدان معتقد هستند در میان خود فیلمسازان هم خیلی نگاه جدی نسبت به این عرصه وجود ندارد و در واقع همه چیز در فیلم کوتاه و سینمای مستند خلق‌الساعه است، چه قدر به این صحبت اعتقاد دارید؟

من همیشه به دوستان گفتم که دیده شدن سینما را زنده می‌کند. اگر کسی فیلم بسازد و تنها عده‌ی محدود آن را ببینند، آن فیلمساز خیلی رشد نمی‌کند. وقتی که اجازه و فرصت بیشتر دیده شدن را از فیلمساز بگیریم او نمی‌تواند تجربه‌اش را در ارتباط با جمع گسترده‌تری تکمیل کند. در حال حاضر مهم‌ترین مشکل فیلم کوتاه و سینمای مستند در کشور ما همین بحث دیده شدن است، نه خلق‌الساعه کار کردن. الان در اروپا سالانه سه هزار جشنواره برگزار می‌شود که هر کدام از این‌ها یک نوعی به فیلمساز توجه می‌دهد و کمک می‌کنند که این فیلم‌ها دیده و در جامعه مطرح شوند، در واقع این کارکرد جشنواره‌هاست؛ اما تلویزیون نیز با توجه به نقشی که دارد مسئول است که حتماً این فیلم‌ها را پخش کند، بنابراین به این دیده شدن کمک می‌کند. من باز هم تأکید می‌کنم که سینما، فیلمنامه و حتی تولید هم نیست، سینما آن چیزی است که روی پرده نمایش داده می‌شود و نفس‌های مخاطبان به فیلمساز برکت می‌دهد. اگر از این زاویه نگاه کنیم، فیلمساز ما یک‌ه و تنها تلاش خودش را می‌کند، البته باید یک آدابی را بیشتر رعایت کند و یک مقدار از این عجول بودن دست بردارد، اما بیش از این که مسئولیت با فیلمساز باشد، مسئولیت متوجه مراکز و سازمان‌هایی است

که مقداری توجه عمیق و جدی به کار ندارند. در حال حاضر به نظر من از سه سال گذشته در مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی کاملاً به شکلی حرفه‌ی با قضیه برخورد می‌کنیم. قد و قواره‌ی فیلم کوتاه و سینمای مستند رشد زیادی پیدا کرده است اما نیاز تولیدکنندگان بیش از ظرفیت‌های ماست. وقتی که بیش از ۱۵۰ هزار نفر در سینما آموزش دیده‌اند و به صورت زنتیکی جوانان ما به سمت سینما گرایش دارند، نشان می‌دهد که خیلی به این جمع‌بندی و نگاه ملی نرسیده‌ایم.

در نگاه ملی به جمع‌بندی نرسیدن، آیا مضامین را هم در بر می‌گیرد؟

همه چیز را در بر می‌گیرد. ببینید، وقتی که فیلم روی پرده بیفتد یا از قاب تلویزیون پخش بشود همین موضوع اتوماتیک‌وار فرهنگ عامل‌تری را به فیلمساز منتقل می‌کند، یعنی وقتی که فیلمساز پای تلویزیون می‌نشیند و توسط مخاطبان دیده و در موردش بحث می‌شود، همین قاب خودش را تعمیر می‌کند اما در حال حاضر ما این قاب و فضاهای دیده شدن را برای فیلمساز نداریم و این باعث می‌شود که مضامین ما خیلی کامل نباشد.

در ادامه‌ی این بحث در نهایت یک‌سری مضامین هستند که مورد غفلت قرار می‌گیرند. شما که در حال حاضر نقش حمایتگر را در ارتباط با فیلم کوتاه و سینمای مستند به عهده دارید، این مضامین کدام هستند؟

همیشه اعتقاد من این بوده که چون در فیلم کوتاه و سینمای مستند ارتباط فیلمساز با جامعه بی‌واسطه‌تر است، همه‌ی مضامین جلوه‌ی بیشتری در کار فیلم کوتاه و سینمای مستند پیدا می‌کنند؛ دفاع مقدس، انقلاب، عاشورا، مسایل دینی و بطور کلی هر مضمونی که شما در جامعه داشته باشید چون فیلمساز بیش‌تر با جامعه در ارتباط است و



در مردم ما می‌توانند با همهی تصاویر دنیا مواجه شوند، آن‌جا تازه متوجه خواهیم شد که باید بیش‌تر به نسل جوانمان اعتماد می‌کردیم و آن موقع دیگر ما نمی‌توانیم بهانه‌ی بی‌اوریم. به همین علت هر چه امروز بیش‌تر به داشته‌هایمان توجه کنیم، موفق‌تر خواهیم بود. همان‌طور که رهبر کبیر انقلاب فرمودند انقلاب ما یک انقلاب فرهنگی بود و این در شأن چنین مملکتی نیست که کل بودجه‌ی سینمایش رقمی کم‌تر از ۳۰ میلیارد تومان باشد. در این شرایط با این همه آرزوهایی که در نظام داریم و با ریاضت یک کارهایی را می‌کنیم اما اگر بتوانیم این موانع را حل کنیم و سازمان‌ها با یکدیگر هماهنگ‌تر شوند، یک انقلاب توفنده‌تری را در حوزه‌ی بصری می‌توانیم شاهد باشیم کما این که با همین وضع موجود نیز سرآمد منطقه هستیم.

من فکر می‌کنم در این قسمت می‌توانیم به خود مرکز هم بپردازیم، در کنار انجمن سینمای جوان، مرکزی به نام مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی به وجود آمده است که متولی فیلم کوتاه و سینمای مستند در کشورمان هستند، از نظر مرکز و شخص شما به عنوان مدیرعامل آن در کدام بخش‌ها، فیلم کوتاه و سینمای مستند نیازمند کمک‌های بیش‌تری است؟

مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی با توجه به خیل عظیم فیلمسازان جوانی که وجود دارند وظیفه دارد تا از این فیلمسازان جوان و حرفه‌ی حمایت کند و از سال ۸۵ تصمیم گرفته شده است تا مرکز به صورت حرفه‌ی‌تر در حوزه‌های فیلم کوتاه، سینمای مستند، سینمای تجربی، پویانمایی (انیمیشن) و فیلم‌های اول و دوم فعالیت کند. به‌طور متوسط در سال حدود ۲۰۰ فیلم تولید می‌شود که امسال حدود ۲۷ فیلم اول و دوم حمایت شده‌اند که هفتاد درصد از این ۲۷ فیلم را فیلمسازان اول تشکیل می‌دهند که به برکت انقلاب اسلامی شاهد آن هستیم. ما سعی داریم تا بیش از هر چیز به نسل جوان اعتماد کنیم. به نظر من بیش‌ترین آسیبی که خورده‌ایم ناشی از عدم اعتماد به نسل جوان بوده است. من همیشه گفته‌ام و باز هم تأکید می‌کنم که ما در عرصه‌ی دفاع مقدس جوانان گمنامی داشتیم که حماسه‌های پرشور فراوانی را آفریدند و دلیل آن اعتمادی بود که حضرت امام (ره) به نسل جوان داشتند، الآن هم همان جوان‌ها و با همان شور و شعور در جامعه وجود دارند و وظیفه‌ی ما این است که این اعتماد را نسبت به آن‌ها داشته باشیم و امکانات را در اختیارشان قرار دهیم که این اولین اصل کاری ما در مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی است. بحث بعدی این است که ما باید به نوعی فاصله‌های خود را با این جریان هماهنگ کنیم و این فاصله همان مدیریت فرهنگی است که یک مقدار موانع و به نوعی محدودیت ایجاد می‌کند. ساختارهای ما مربوط به سی سال پیش است و طبیعتاً با چنین

در آثارش این موضوع نقش می‌بندد اما مدیریت فرهنگی خیلی پیچیده‌تر از تعاریفی است که ما امروزه اجرا می‌کنیم و این مدیریت فرهنگی به اعتقاد من یعنی این که شما با این کاروان و سیل خروشان همراه شوید و بتوانید مباحث فرهنگی و نیازهای جامعه را مدیریت کنید تا توسط فیلمساز بروز یابد. این‌جا برمی‌گردیم به آن معذورات، مسایل مالی و ساختارها که به اعتقاد من یکی از موانع و مشکلات ما همین ساختارهاست که متأسفانه جلوی سرعت را می‌گیرد و فیلمسازان نمی‌توانند مضامین فرهنگی را به تصویر بکشند و مشکل بزرگ بعدی مشکل مالی است. همان‌طور که می‌دانید کل حوزه‌ی فرهنگ مهجور و مظلوم است و سینما مظلوم‌تر و در این بین وضع فیلم کوتاه و سینمای مستند واقعاً اسفبارتر بوده که به هیچ وجه نمی‌توان روی بودجه‌ی آن حساب ویژه‌ی باز کرد. به نظر من همه‌ی این‌ها که اتفاقاً مضامین را هم در بر می‌گیرد در کنار هم کمک می‌کند که توجه کم‌تری به این عرصه شود همیشه اعتقاد من بر این است که برای رسیدن به همه‌ی آرزوهای انقلاب اسلامی که پیش روی مردم و مسئولین قرار دارد ما باید کاروان تولید را با یک مدیریت پویا و مناسب و یک تعامل و همکاری هماهنگانه بین سازمان‌ها به پیش ببریم. اگر کاروان با این شرایط راه یفتند، به نظر من ما بسیاری از آرزوهایمان را به دست می‌آوریم و خیلی از نگرانی‌هایمان هم از بین خواهد رفت.

شما در صحبت‌هایتان به دو مورد مهم که همان ضعف ساختارهای مدیریتی در مراکز فرهنگی و معضل مالی بود اشاره کردید، همان‌طور که می‌دانید کل سرمایه‌ی مالی سینمای ایران شاید کم‌تر از ۳۰ میلیارد تومان باشد که با این هزینه‌های سنگین تولید به نوعی شوخی است. در حال حاضر برای این که بخواهیم برآیند فیلم کوتاه و سینمای مستند از جایگاهی که الآن دارد، پیشرفته‌تر شود بودجه‌ی مورد نیاز این بخش چه قدر است؟

در حال حاضر با نگاه ویژه‌ی که آقای «جعفری جلو» به مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی دارند ما توانستیم سالانه از ۷۰ تا ۸۰ فیلم حمایت کنیم اما با توجه به ظرفیت‌ها اعتقاد من این است که مرکز می‌تواند از تولید ۵۰۰ فیلم در سال حمایت کند که اگر این اتفاق رخ دهد به نحوی این ارتباط فرهنگی نیز برقرار خواهد شد. خیلی از گرفتاری‌های ما ناشی از عدم وجود این ارتباط فرهنگی است و فیلمسازان ما با بضاعت خودشان فیلم می‌سازند که این موضوع به تولید لطمه وارد می‌سازد. سینمای حرفه‌ی کوتاه و مستند نیاز به تحقیق، زمان و عوامل حرفه‌ی دارد و زمانی که این مسایل وجود نداشته باشد، دچار آفت‌هایی می‌شود احساس می‌کنم با توجه به جایگاهی که در منطقه داریم، هیچ راهی جز این که به داشته‌های خودمان اعتماد و توجه کنیم، نداریم. در سال‌های آینده وقتی تلویزیون و سینمای ما دیگر از این حالت سنتی خارج می‌شوند



**کل حوزه‌ی فرهنگ  
مهجور و مظلوم  
است و سینما  
مظلوم‌تر و در این  
بین وضع فیلم کوتاه  
و سینمای مستند  
واقعاً اسف‌بارتر  
بوده که به هیچ  
وجه نمی‌توان روی  
بودجه‌ی آن حساب  
ویزه‌یی باز کرد**

ساختارهایی نمی‌توانیم در بحث مدیریت فرهنگی موفق عمل کنیم. ما در مرکز سعی کرده‌ایم تا حدودی ساختارهای خودمان را تغییر دهیم که همین موضوع در کنار تفکر و منطق باعث شده جریان فیلم کوتاه و سینمای مستند به لطف خداوند و با همهی کمبودها در جایگاه بسیار خوبی قرار گیرد.

در سال‌های اخیر و با توجه به نگاه متفاوت مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی شاهد تولید فیلم‌های بسیار خوبی تحت عنوان فیلم‌های اول و دوم هستیم اما به دلیل این که برچسب فیلم تجربی بر پیشانی این فیلم‌ها خورده است و به‌طور کلی یک جریانی در مقابل این سینما وجود دارد، اگران این فیلم‌ها تبدیل به دغدغه‌ی کارگردانان و حتی خود شما شده است. یا توجه به ساختارهای متفاوت این فیلم‌ها مرکز چه اقداماتی را برای نمایش این فیلم‌ها انجام داده است؟

به اعتقاد من سینمای ما نیازمند است که هر روز گام‌های جدیدی را بردارد، ولی متأسفانه به دلیل گرفتاری‌های به‌شدت زیادی که دارد و سازمان‌های مرتبطی که در نوآوری متوقف شده‌اند، خیلی نمی‌توانیم به این موضوع امیدوارم باشیم، به همین علت حضور نیروهای جوان و تازه‌نفس به حوزه‌ی تجربه‌های جدید پیش‌تر کمک می‌کند چرا که انرژی آن‌ها زیاده‌تر است و علوم جدید را می‌شناسند و فعال‌تر هستند و نگاه ما هم در مرکز، توجه ویژه به نوآوری است اما هر نوآوری و تجربه‌ی جدید معمولاً با مخالفت‌هایی مواجه می‌شود و عده‌یی همواره از این که جایگاه خود را از دست بدهند، وحشت دارند. شما اگر در طول سی سال اخیر به فیلم‌های اول نگاه کنید به دلیل همین موج جدیدی که ایجاد کرده‌اند، همواره با مخالفت روبه‌رو بوده‌اند. شما اگر سینمای سرمایه‌داری هالیوود را بررسی کنید متوجه می‌شوید که هر چند سال یک بار تهیه‌کنندگان تعدادی دانشجویی با استعداد و تازه‌نفس را جمع می‌کنند تا فیلم بسازند چرا که احساس می‌کنند سینما احتیاج به حضور نیروهای جدید دارد اما در سینمای ما متأسفانه به دلیل این محدودیت‌ها این اتفاق نمی‌افتد چرا که به نظر می‌رسد عرصه‌ی رقابت برای عده‌یی تنگ‌تر می‌شود و این خیلی مقبول نیست.

**یعنی شما معتقدید در مقابل گونه‌های مختلف سینمای تجربی چه در حوزه‌های کوتاه و مستند و چه در حوزه‌ی فیلم بلند یک جریان بازدارنده وجود دارد؟**

به نظر من این جریان در یک جایی کاملاً آگاهانه است و در جایی دیگر ناآگاهانه که به طرف محدودی که دچار رقابت‌های ناهماهنگ شده است، برمی‌گردد. البته این را هم باید توجه کرد که همهی سینما در اختیار ما نیست، من هم از این موضوع ناراحت هستم چرا که اگر فیلم‌هایی که ساخته می‌شوند، دیده شوند هم به فیلمساز کمک می‌کند و هم به مخاطب و

مسئولان که با انواع مختلف سینما آشنا شوند اما ما با همان مشکل کلی اکران فیلم‌ها و همان محدودیت‌ها مواجه هستیم و مشکل عمده‌یی که وجود دارد و من باز هم تأکید می‌کنم این است که خیلی از مراکز علمی ما از حوزه‌ی فیلم دور هستند در حالی که دغدغه‌ی خیلی از مراکز علمی و مؤسسات ما باید فیلم کوتاه و سینمای مستند باشد. من بارها گفته‌ام که بسیار افسوس می‌خورم از این که اغلب مراکز علمی ما فیلم‌های آرشیوی هالیوودی دارند اما سراغی از فیلم مستند که به دردشان می‌خورد نمی‌گیرند و نگاهشان تحت تأثیر جریان رایج در اکران است. البته جریانی که توسط رسانه‌ها ایجاد شده باعث شده تا نگاه‌ها تغییر کند و حتی سیل خروشان فیلمسازان باعث بر هم خوردن نگاه‌های سنتی شده است و امیدوارم یک فضای مناسبی برای دیده شدن بهتر این گونه در سینما فراهم شود؛ اما به هر حال باید قبول کرد که هر سینمایی که حرفی جدید در دل خود دارد، یک مبارزه هم در پیش دارد.

**به عنوان سؤال پایانی در مورد جشنواره‌ی بین‌المللی «سینما حقیقت» که توانسته نگاه‌های خوبی را معطوف سینمای ایران کند، توضیح بدهید و بفرمایید که تا چه اندازه به اهدافتان نزدیک شده‌اید؟**

این جشنواره با هدف تقویت سینمای مستند خلاق ایران، صیانت از هویت ملی، دینی و شرقی، بازنمایی تاریخ و فرهنگ جامعه‌ی ایرانی - اسلامی، بیان نسبت نزدیکی سینمای مستند با واقعیت و حقیقت و آشنایی فیلمسازان کشور با تحولات نوین سینمای مستند جهان و ایجاد و امکان برای عرضه و پخش جهانی فیلم‌های مستند برگزار می‌شود. در سینمای مستند بحث آگاهی‌بخشی و نشان دادن جلوه‌ها و پوسته‌های دیگری از اجتماع است. ما باید نگرش مخاطبان و مسئولان را ارتقا دهیم ولی هنوز فرصت نکرده‌ایم در حوزه‌ی سینمای مستند، مخاطب‌شناسی کنیم. بسیاری از فیلمسازان ما نیز هنوز تحت تأثیر سینمای اکران هستند و تصور می‌کنند فیلم مستندی که ساخته‌اند باید برای همه نمایش داده شود. یادم می‌آید یک فیلم از «ژان روش» دیدم که ابتدایش نوشته شده بود: «این فیلم فقط برای خارج از استرالیا قابل نمایش است». نمایش یک فیلم مستند می‌تواند برای پزشکان یک بیمارستان فوق‌العاده اثربخش و برای بیماران آن بیمارستان مخرب باشد. باید بستری آماده کنیم که مخاطبان واقعی سینمای مستند بتوانند فیلم‌های روز دنیا را بدون محدودیت ببینند؛ اما اگر همان فیلم‌ها را بخواهیم در سینما برای مخاطب عام نمایش دهیم باید حد و حدود مسایل عرفی را رعایت کنیم. در جشنواره نیز باید بخش‌هایی داشته باشیم که کسانی که واقعاً دغدغه‌شان این نوع سینماست بتوانند فیلم‌ها را بدون مشکل ببینند ■